

باسمه تعالی

قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

(به صورت نموداری)

تهیه و تدوین:

رضا باستانی نامقی

دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی تهران

<http://www.rezabastani.ir>

ماده ۱ - هرکس به موجب حکم دادگاه^۱ به دادن هر نوع مالی به دیگری محکوم شود و از اجرای حکم خودداری کند:

۱. هرگاه محکوم‌به عین معین باشد ← آن مال اخذ و به محکوم‌له تسلیم می‌شود
۲. و در صورتی که رد عین ممکن نباشد:
 اموال محکوم‌علیه با رعایت مستثنیات دین و مطابق قانون اجرای احکام مدنی و سایر مقررات مربوط، توقیف و از محل آن حسب مورد محکوم‌به یا مثل یا قیمت آن استیفاء می‌شود.
- یا
۳. محکوم‌به عین معین نباشد:

ماده ۲ - مرجع اجراءکننده رأی، اعم از قسمت اجرای دادگاه صادرکننده اجرائیه یا مجری نیابت، مکلف است به تقاضای محکوم‌له از طرق پیش‌بینی‌شده در این قانون و نیز به هر نحو دیگر که قانوناً ممکن باشد، نسبت به:

۱. شناسایی اموال محکوم‌علیه و
 ۲. توقیف آن به میزان محکوم‌به
- ← اقدام کند.

تبصره - در موردی که محکوم‌به عین معین بوده و محکوم‌له شناسایی و تحویل آن را تقاضا کرده باشد نیز مرجع اجراءکننده رأی مکلف به شناسایی و توقیف آن مال است.

ماده ۳ - اگر استیفاءی محکوم‌به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم‌علیه، به تقاضای محکوم‌له:

- تا زمان
- اجرای حکم یا
 - پذیرفته‌شدن ادعای اعسار او یا
 - جلب رضایت محکوم‌له
- حبس می‌شود.

حبس نمی‌شود، مگر اینکه دعوای اعسار:

مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

چنانچه محکوم‌علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجرائیه^۲ ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد

۱. برای شمول قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی می‌بایست محکومیت به موجب حکم دادگاه یا سایر مراجع مندرج در ماده ۲۷ همین قانون باشد. اجرای مفاد اسناد عادی و رسمی لازم الاجرا، کماکان به موجب مقررات مندرج در آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۱ صورت می‌پذیرد. البته بنا به تصریح مقنن رعایت مقررات ماده ۱۹ این قانون در مورد اجرای مفاد اسناد رسمی نیز لازم الاتباع است.

۲. سی روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه ملاک است نه از تاریخ ابلاغ حکم.

تبصره ۱- چنانچه محکوم‌علیه خارج از مهلت مقرر در این ماده، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خود را اقامه کند، هرگاه:

✓ محکوم‌له آزادی وی را بدون اخذ تأمین بپذیرد یا
✓ محکوم‌علیه به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم‌به ارائه نماید

دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل تا روشن شدن وضعیت اعسار از حبس محکوم‌علیه خودداری و در صورت حبس، او را آزاد می‌کند.

در صورت ردّ دعوای اعسار به موجب حکم قطعی، به کفیل یا وثیقه‌گذار ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ واقعی نسبت به تسلیم محکوم‌علیه اقدام کند.

در صورت عدم تسلیم ظرف مهلت مذکور حسب مورد به دستور دادستان یا رئیس دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجراء می‌شود نسبت به استیفای محکوم‌به و هزینه‌های اجرائی از محل وثیقه یا وجه‌الکفاله اقدام می‌شود.

در این مورد دستور دادگاه ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ واقعی^۱ قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است.^۲ نحوه صدور قرارهای تأمینی مزبور، مقررات اعتراض نسبت به دستور دادستان و سایر مقررات مربوط به این دستورها تابع قانون آیین دادرسی کیفری است.

تبصره ۲- مقررات راجع به تعویق و موانع اجرای مجازات حبس در خصوص کسانی که به استناد این ماده حبس می‌شوند نیز مجری است.

ماده ۴- چنانچه به موجب ماده (۳) این قانون محکوم‌علیه حبس شده یا مستحق حبس باشد، هرگاه:

<p>حبس نخواهد شد و اگر در حبس باشد آزاد می‌گردد. در این صورت مال معرفی یا کشف‌شده را مرجع اجراء‌کننده رأی توقیف می‌کند و محکوم‌به از محل آن استیفاء می‌شود.</p>	✓ مالی معرفی کند و یا
	✓ با رعایت مستثنیات دین مالی از او کشف شود به نحوی که طبق نظر کارشناس رسمی مال مزبور تکافوی محکوم‌به و هزینه‌های اجرائی را نماید،

۱. تاریخ اعتراض از زمانی که ابلاغ واقعی صورت می‌گیرد شروع می‌شود نه ابلاغ قانونی.

۲. در صورتی که مرجع توقیف وثیقه دادگاه صادرکننده رأی باشد این ترتیبات مجری است اما اگر وثیقه یا وجه‌الکفاله به دستور دادستان ضبط شده باشد ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری باید اجرا گردد.

ماده ۵- قوه قضائیه مکلف است افرادی را که به استناد ماده (۳) این قانون حبس می‌شوند جدای از محکومان کیفری نگهداری و با همکاری دولت (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) زمینه انجام فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزا را برای محبوسان متقاضی کار فراهم کند. شیوه نگهداری، به‌کارگیری، پرداخت و هزینه‌کرد اجرت این اشخاص مطابق آیین‌نامه‌ای است که به‌وسیله سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می‌شود و ظرف سه‌ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۶- مُعسر کسی است که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد.

تبصره- عدم قابلیت دسترسی به مال در حکم نداشتن مال است. اثبات عدم قابلیت دسترسی به مال برعهده مدیون است.

ماده ۷ - در مواردی که:

✓ وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته یا
✓ مدیون در عوض دین، مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد

← اثبات اعسار برعهده اوست مگر اینکه:

ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است در این صورت و نیز در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت نکرده یا تحصیل نکرده باشد هرگاه:

✓ خواننده دعوای اعسار نتواند ملائت فعلی یا سابق او را ثابت کند یا
✓ ملائت فعلی یا سابق او نزد قاضی محرز نباشد

← ادعای اعسار با سوگند مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود.

ماده ۸- مدعی اعسار باید:

۱. صورت کلیه اموال خود	۲. و نیز کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد
شامل تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول، به‌طور مشروح، مشتمل بر میزان وجوه نقدی که وی به هر عنوان نزد بانکها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی دارد، به همراه مشخصات دقیق حسابهای مذکور	۳. و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث
	۴. و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک‌سال قبل از طرح دعوای اعسار به بعد را

ضمیمه دادخواست اعسار خود کند.

هرگاه مدیون بخواهد ادعای خود را با شهادت شهود ثابت کند باید شهادتنامه کتبی حداقل دو شاهد را به مدتی که بتواند نسبت به وضعیت معیشت فرد اطلاع کافی داشته باشند به دادخواست اعسار خود ضمیمه نماید. شهادتنامه مذکور باید علاوه بر هویت و اقامتگاه شاهد، متضمن منشأ اطلاعات و موارد مندرج در ماده (۹) این قانون باشد.

۱. در مواردی که بار اثبات اعسار برعهده مدیون است و نیز
۲. در مواردی که سابقه ملائت او اثبات شده باشد

به این امر تصریح کند که:

۵. با مدیون به مدتی که بتواند نسبت به وضعیت معیشت وی اطلاع کافی داشته باشد، معاشرت داشته و
۶. او افزون بر مستثنیات دین هیچ مال قابل دسترسی ندارد که بتواند به وسیله آن دین خود را بپردازد.

ماده ۹- شاهد باید علاوه بر:

۱. هویت،
۲. شغل،
۳. میزان درآمد و
۴. نحوه قانونی امرار معاش مدعی اعسار،

ماده ۱۰- پس از ثبت دادخواست اعسار دادگاه مکلف است فوراً با استعلام از مراجع ذی‌ربط و به هر نحو دیگر که ممکن باشد نسبت به بررسی وضعیت مالی محکوم‌علیه جهت روشن شدن اعسار یا ایسار او اقدام کند.

ماده ۱۱- در صورت ثبوت اعسار، چنانچه مدیون متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود:

- ✓ با ملاحظه وضعیت او مهلت مناسبی برای پرداخت می‌دهد یا
- ✓ حکم تقسیط بدهی را صادر می‌کند.

دادگاه ضمن صدور حکم اعسار

در تعیین اقساط باید میزان درآمد مدیون و معیشت ضروری او لحاظ شده و به نحوی باشد که او توانایی پرداخت آن را داشته باشد.

تبصره ۱- صدور حکم تقسیط محکوم‌به یا دادن مهلت به مدیون، مانع استیفای بخش اجراء نشده آن از اموالی که از محکوم‌علیه به دست می‌آید یا مطالبات وی نیست.

تبصره ۲- هر یک از محکوم‌له یا محکوم‌علیه می‌توانند با تقدیم دادخواست، تعدیل اقساط را از دادگاه بخواهند.^۱

نسبت به تعدیل میزان اقساط اقدام می‌کند.

۱. دادگاه با عنایت به نرخ تورم براساس اعلام مراجع رسمی قانونی کشور یا
۲. تغییر در وضعیت معیشت و درآمد محکوم‌علیه

ماده ۱۲- اگر دعوای اعسار ردّ شود:

✓ دادگاه در ضمن حکم به ردّ دعوی، مدعی اعسار را به پرداخت خسارات وارد شده بر خواننده دعوای اعسار مشروط به درخواست وی محکوم می‌کند.

ماده ۱۳- دعوای اعسار در مورد محکوم‌به در دادگاه نخستین رسیدگی کننده به دعوای اصلی یا دادگاه صادرکننده اجرائیه و به طرفیت محکوم‌له اقامه می‌شود.^۲

ماده ۱۴- دعوای اعسار غیرمالی است و در مرحله بدوی و تجدیدنظر خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

ماده ۱۵- دادخواست اعسار از تجار^۳ و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شود. این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند.

تبصره- اگر دادخواست اعسار از سوی:

دادگاه بدون اخطار به خواهان، قرار ردّ دادخواست وی را صادر می‌کند.

۱. اشخاص حقوقی یا
۲. اشخاصی که تاجر بودن آنها نزد دادگاه مسلم است طرح شود،

۱. به عنایت به ادامه این ماده باید گفت پذیرش تقاضای تعدیل اقساط از سوی دادگاه منوط به تغییر در نرخ تورم مطابق اعلام مراجع رسمی یا تغییر در وضعیت معیشت و درآمد محکوم‌علیه است و دادگاه مجاز نیست بدون احراز این موارد به تقاضای تعدیل ترتیب اثر دهد.

۲. اعسار از هزینه دادرسی مشمول این قانون نمی‌باشد و مقررات باب هشتم قانون آیین دادرسی مدنی بر آن حکومت می‌کند.

۳. کسبه جزء تاجر محسوب می‌شوند اما ماده ۵۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی، در مورد اعسار از هزینه دادرسی پذیرفته است که ایشان دادخواست اعسار بدهند. در مورد اعسار از پرداخت محکوم‌به صراحتی مانند ماده ۵۱۲ در این قانون وجود ندارد و شاید با استناد به اطلاق لفظ تاجر در ماده ۱۵ بتوان گفت که از کسبه جزء نیز دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود. شایان ذکر است که در مورد محکومیت به پرداخت جزای نقدی به واسطه‌ی تصریح مقنن این مشکل وجود ندارد. قانون‌گذار در ماده ۵۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۹۲) مصرحاً کسبه جزء را مجاز به تقدیم دادخواست تقسیط دانسته و ایشان را ملزم به تقدیم دادخواست ورشکستگی نکرده است.

ماده ۱۶- هرگاه محکوم‌علیه در صورت اموال خود موضوع مواد (۳) و (۸) این قانون، به منظور فرار از اجرای حکم^۱:

<p>دادگاه ضمن حکم به رفع اثر از حکم اعسار سابق محکوم‌علیه را به حبس تعزیری درجه هفت محکوم خواهد کرد.^۲</p>	<p>✓ از اعلام کامل اموال خود مطابق مقررات این قانون خودداری کند یا</p> <p>✓ پس از صدور حکم اعسار معلوم شود برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده است</p>
--	--

ماده ۱۷- دادگاه رسیدگی‌کننده به اعسار ضمن صدور حکم اعسار، شخصی را که با هدف فرار از پرداخت دین مرتکب تقصیر شده است تا موجب اعسار وی گردد با توجه به میزان بدهی، نوع تقصیر، تعدد و تکرار آن به مدت شش ماه تا دو سال به یک یا چند مورد از محرومیت‌های زیر محکوم می‌کند:

<p>۱. ممنوعیت خروج از کشور</p> <p>۲. ممنوعیت تأسیس شرکت تجاری</p> <p>۳. ممنوعیت عضویت در هیأت‌مدیره شرکت‌های تجاری</p> <p>۴. ممنوعیت تصدی مدیر عاملی در شرکت‌های تجاری</p>	<p>۵. ممنوعیت دریافت اعتبار و هرگونه تسهیلات به هر عنوان از بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری عمومی و دولتی به جز وام‌های ضروری</p> <p>۶. ممنوعیت دریافت دسته چک</p>
--	--

ماده ۱۸- هرگاه پس از صدور حکم اعسار ثابت شود:

<p>به تقاضای محکوم‌له، محکوم‌علیه تا زمان اجرای حکم یا اثبات حدوث اعسار یا جلب رضایت محکوم‌له حبس خواهد شد.</p>	<p>✓ از مدیون رفع عسرت شده یا</p> <p>✓ مدیون برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده است،</p>
---	---

در این مورد نیز مفاد مواد (۴) و (۵) این قانون مجری است. این حکم در مورد مدیونی که به موجب ماده (۱۱) این قانون برای پرداخت دین او مهلت مناسب تعیین شده یا بدهی او تقسیط گردیده و در زمان مقرر دین خود یا اقساط تعیین شده را نپرداخته است نیز مجری است.

۱. قصد فرار از اجرای حکم سؤ نیت خاص برای تحقق این جرم است.

۲. مطالعه ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی و مقایسه آن با این ماده خالی از لطف نیست.

ماده ۱۹-

✓ مرجع اجراءکننده رأی باید به درخواست محکوم‌له به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست کلیه حساب‌های محکوم‌علیه در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری را برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند.

✓ همچنین دادگاه باید به درخواست محکوم‌له یا خواننده دعوی اعسار به مراجع ذی‌ربط از قبیل ادارات ثبت محل و شهرداری‌ها دستور دهد که براساس نشانی کامل ملک یا نام مالک، پلاک ثبتی ملکی را که احتمال تعلق آن به محکوم‌علیه وجود دارد برای توقیف به دادگاه اعلام کند. این حکم در مورد تمامی مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند نیز مجری است.

تبصره ۱- مراجع مذکور در این ماده مکلفند به دستور دادگاه^۱ فهرست و مشخصات اموال متعلق به محکوم‌علیه و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از صدور حکم قطعی به بعد را به دادگاه اعلام کنند.

تبصره ۲- مفاد این ماده در مورد اجرای قرارهای تأمین خواسته موضوع ماده (۱۰۸) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ و نیز اجرای مفاد اسناد رسمی مجری است.

ماده ۲۰- هر یک از مدیران یا مسؤولان مراجع مذکور در ماده (۱۹) این قانون که به تکلیف مقرر پیرامون شناسایی اموال اشخاص حقیقی و حقوقی عمل نکنند به انفسال درجه شش از خدمات عمومی و دولتی محکوم می‌شود.

✓ به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند
و
✓ مکلفند اطلاعات خود مطابق ماده مذکور را در اختیار قوه قضائیه قرار دهند نیز در صورت عدم اجرای این تکلیف مجری است.

این حکم در مورد مدیران و مسؤولان کلیه مراجعی که:

ماده ۲۱- انتقال مال به دیگری به هر نحو به وسیله مدیران یا انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد،^۲ موجب حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم‌به یا هر دو مجازات می‌شود و در صورتی که منتقل‌آلیه نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد در حکم شریک جرم است. در این صورت عین آن مال و در صورت تلف یا انتقال، مثل یا قیمت آن از اموال انتقال‌گیرنده به عنوان جریمه^۳ اخذ و محکوم‌به از محل آن استیفاء خواهد شد.

۱. تا قبل از این که دادگاه دستور نداده است مراجع مذکور در این ماده تکلیفی ندارند.

۲. جرم موضوع این ماده مقید به کافی نبودن باقی مانده اموال برای پرداخت دیون است.

۳. تصریح مقنن به اینکه اخذ مال از انتقال‌گیرنده به عنوان جریمه است این برداشت را تقویت می‌کند که در نظام حقوقی ما معامله به قصد فرار از دین صحیح است و بازپس گرفتن مال از باب مجازات است و نه ناشی از عدم قابلیت استناد یا عدم صحت انتقال.

ماده ۲۲- کلیه محکومیت‌های مالی از جمله دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم، رد مال و امثال آنها جز محکومیت به پرداخت جزای نقدی، مشمول این قانون خواهند بود.

ماده ۲۳- مرجع اجراءکننده رأی باید به تقاضای محکوم‌له قرار ممنوع‌الخروج بودن محکوم‌علیه را صادر کند.

این قرار تا زمان:

به قوت خود باقی است.	✓ اجرای رأی یا
	✓ ثبوت اعسار محکوم‌علیه یا
	✓ جلب رضایت محکوم‌له یا
	✓ سپردن تأمین مناسب یا
	✓ تحقق کفالت مطابق قانون مدنی

تبصره- درخصوص سفر واجب که وجوب آن از قبل ثابت شده باشد و سفرهای درمانی ضروری، دادگاه موقتاً به محکوم‌علیه اجازه خروج از کشور را می‌دهد.

ماده ۲۴- مستثنیات دین صرفاً شامل موارد زیر است:

الف - منزل مسکونی که عرفاً در شأن محکوم‌علیه در حالت اعسار او باشد.

ب - اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی لازم است.

ج - آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می‌شود.

د - کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آن‌ها

هـ - وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آن‌ها و افراد تحت تکفلشان لازم است.

✓ پرداخت اجاره بها بدون آن <u>موجب عسر و حرج گردد و</u> ✓ عین مستأجره <u>مورد نیاز</u> مدیون بوده و ✓ بالاتر از شأن او نباشد.	و- تلفن <u>مورد نیاز</u> مدیون
	ز- مبلغی که در ضمن عقد اجاره به <u>موجر</u> پرداخت می‌شود، <u>مشروط بر اینکه:</u>

تبصره ۱- چنانچه منزل مسکونی محکوم‌علیه:

۱. بیش از نیاز و شأن عرفی او در حالت اعسارش بوده و
۲. مال دیگری از وی در دسترس نباشد و
۳. مشارالیه حاضر به فروش منزل مسکونی خود تحت نظارت مرجع اجراءکننده رأی نباشد

به تقاضای محکوم‌له به وسیله مرجع اجراءکننده حکم با رعایت تشریفات قانونی به فروش رفته و مازاد بر قیمت منزل مناسب عرفی، صرف تأدیه دیون محکوم‌علیه خواهد شد **مگر** اینکه استیفای محکوم به به طریق سهل‌تری مانند استیفاء از محل منافع بخش مازاد منزل مسکونی محکوم‌علیه یا انتقال سهم مشاعی از آن به شخص ثالث یا طلبکار امکان‌پذیر باشد که در این صورت محکوم‌به از طرق مذکور استیفاء خواهد شد.

تبصره ۲- چنانچه به حکم قانون، مستثنیات دین تبدیل به عوض دیگری شده باشد، مانند اینکه مسکن به دلیل قرار گرفتن در طرحهای عمرانی تبدیل به وجه گردد، یا در اثر از بین رفتن، عوضی دریافت شده باشد، وصول محکوم‌به از آن امکان‌پذیر است **مگر** اینکه محرز شود مدیون قصد تهیه موضوع نخستین را دارد.

ماده ۲۵- چنانچه منشأ دین،

۱. قرض یا در اختیار گرفتن اموالی از دیگران به موجب هر قرارداد دیگری باشد و
۲. محکوم‌علیه از بدو امر قصد عدم تأدیه دین یا تبدیل آن به یکی از مستثنیات دین به منظور فرار از تأدیه را داشته باشد

هر مالی که در عوض اموال مذکور خریداری کرده یا به موجب سایر عقود به ملکیت خود درآورد به عنوان جریمه اخذ و محکوم‌به از محل آن استیفاء و مابقی به وی مسترد خواهد شد.

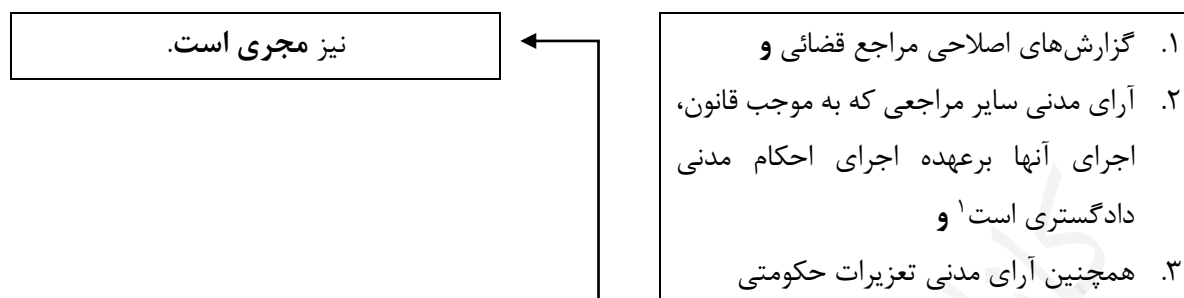
ماده ۲۶- احکام مندرج در این قانون

جز احکام راجع به:

۱. حبس محکوم‌علیه [و]
۲. اعسار و
۳. مستثنیات دین

حسب مورد در مواردی که محکوم‌علیه شخص حقوقی باشد نیز مجری است و نسبت به مدیران و مسؤولان متخلف اشخاص حقوقی مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود.

ماده ۲۷- مقررات این قانون در مورد:



تبصره- محکومیت‌های کیفری سازمان تعزیرات حکومتی تابع مقررات حاکم بر اجرای احکام کیفری دادگاه‌ها است.

ماده ۲۸- آیین‌نامه اجرائی این قانون ظرف مدت سه ماه پس از لازم الاجراء شدن آن به وسیله وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۲۹- قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ و قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰ و ماده (۵۲۴) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ نسخ می‌شود.

قانون فوق مشتمل بر بیست و نه ماده و سیزده تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ پانزدهم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۳ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

۱. برای مثال ر.ک ماده ۱۶۶ قانون کار.